

## فارسی تکمیلی پایه نهم

درس سوم: مثل آینه

اندیشیدنی صفحه ۴۲

\* نباشد دوست جز آینه‌ی دوست / به جان و دل، هم او این و هم این اوست. (ناصر خسرو)

در این بیت از ناصر خسرو، **دوست** و **آینه** یکی دانسته شده اند و یادآور بند دوم از درس «**مثل آینه**» است که می گوید:

«آنها مثل آینه، همان قدر که خوبی ها را پیش چشم می آورند، عیب ها را هم به ما می نمایند.» (صفحه ۲۴ وزارت)

\* دوست آن است کاو معایب دوست / همچو آینه رو به رو گوید

نه که چون شانه با هزار زبان / در قفا رفته، مو به مو گوید» (نشانی دهلوی)

در این بیت از نشانی دهلوی، **دوست** و **آینه** در صداقت و یک رویی به هم تشبیه شده اند و یادآور این جمله از درس «**مثل آینه**» است که می گوید: «... و مهم تر آنکه این همه را بی صدا و بی هیاهو باز می گویند.» (صفحه ۲۴ وزارت)

\* از مهر دوستان ریاکار خوش تر است / دشنام دشمنی که چو آینه راستگوست» (پروین اعتصامی)

در این بیت از پروین اعتصامی، **دوست** و **آینه** در راستگویی به هم تشبیه شده اند و بر صداقت و راستگویی تأکید شده است و یادآور این بیت از نظامی گنجه ای است که می گوید: «**آینه چون نقش تو بنمود راست / ...**» (صفحه ۲۵ وزارت)

دانستنی صفحه ۴۲ به توضیحات فیلم آموزشی مراجعه شود.

جستنی صفحه ۴۳

۱.

\* **دوستان واقعی**، راه نیک بختی را به ما نشان می دهند. (صفحه ۲۴ وزارت)

\* **نوجوان** افزون بر رابطه با خود، نیازمند رابطه ای دیگر نیز هست. (صفحه ۲۴ وزارت)

۲.

\* او می خواهد در آینده **پزشک** شود.

\* **هر ایرانی** وظیفه دارد از میهن خود دفاع کند.

\* **گاه حتی یک اشتباه** کوچک در رانندگی، می تواند حادثه ساز باشد.

\* اگر شاعر بودید، چه مضمون هایی را برای سرودن بر می گزیدید؟

### جستنی صفحه ۴۵

۱. بیت سوم از صفحه ۲۶ وزارتتی: غنیمت شمر جز حقیقت مجوی / که باری است فرصت دگر بار نیست. (که: زیرا که)

در بیت دوم از صفحه ۲۶ وزارتتی: چو بفروختی، از که خواهی خرید؟ / متاع جوانی به بازار نیست. (به: در)

۲. متاع جوانی: اضافه تشبیهی (جوانی، مشبه است و متاع، مشبه‌به)

۳. در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما؟ (پرسش انکاری است).

مهرت از دل کی برون کنم؟ (پرسش انکاری است).

### نوشتنی صفحه ۴۶

۱. نوجوانی به جوانی مغرور / رخس پندار همی راند ز دور (جامی)

جوانی گه کار و شایستگی است / گه خودپسندی و پندار نیست (پروین اعتصامی)

در این دو بیت «پندار» به معنی «فکر، خیال و گمان باطل و بیهوده» است. علاوه بر این معنی «خودپسندی و غرور و تکبر» هم می دهد.

۲. در بیت «به چشم بصیرت به خود در نگر / تو را تا در آینه زنگار نیست» مقصود از «آینه»، «دل پاک» و مقصود از «زنگار»، «گناه» است.

### ندیشیدنی صفحه ۴۶

۱. بیت پنجم: ز آزادگان بردباری و سعی / بیاموز آموختن عار نیست

بیت هفتم: همی دانه و خوشه خروار شد / ز آغاز هر خوشه خروار نیست

در این دو بیت از پروین اعتصامی، مفهوم سعی و بردباری نهفته است. همان گونه که برای جمع کردن خوشه ها و دانه ها باید سعی و بردباری به خرج داد؛ برای آموختن جوانمردی از آزادگان نیز، لازم است سعی و تلاش کرد و بردبار بود.

۲.

\* هر که نامخت از گذشت روزگار / نیز ناموزد ز هیچ آموزگار (رودکی)

این بیت از رودکی با بیت «همه کار ایام درس است و پند / دریغا که شاگرد هوشیار نیست» هماهنگی مفهومی دارد؛ زیرا که هر دو اشاره به این دارند که: روزهای زندگی، سرشار از درس و پند و عبرت اند.

\* چو کاهل بود مرد برنا به کار / از او سیر گردد دل روزگار (فردوسی)

این بیت از فردوسی با بیت «جوانی گه کار و شایستگی است / گه خودپسندی و پندار نیست» هماهنگی دارد؛ زیرا که هر دو اشاره به این دارند که: انسان باید در روزهای جوانی، کار کند و از تنبلی و سستی بپرهیزد.

دانستنی صفحه ۴۷ به توضیحات فیلم آموزشی مراجعه شود.

جستنی صفحه ۴۸

\* شاه انوشیروان به موسم دی / رفت بیرون ز شهر بهر شکار  
در سر راه دید مزرعهای / که در آن بود مردم بسیار  
اندر آن دشت پیرمردی دید / که گذشته است عمر او ز نود  
دانه‌ی جوز در زمین می‌کاشت / که به فصل بهار سبز شود  
گفت کسری به پیرمرد حریص / که: «چرا حرص می‌زنی چندین؟  
پایهای تو بر لب گور است / تو کنون جوز می‌کنی به زمین  
جوز ده سال عمر می‌خواهد / که قوی گردد و به بار آید  
تو که بعد از دو روز خواهی مرد / گردکان کشتنت چه کار آید؟»  
مرد دهقان به شاه کسری گفت: / «مردم از کاشتن زیان نبرند  
دگران کاشتند و ما خوردیم / ما بکاریم و دیگران بخورند»

اندیشیدنی صفحه ۴۹

۱. مفهوم کنایه ضرب‌المثل «دگران کاشتند و ما خوردیم / ما بکاریم و دیگران بخورند» این است که ما از نیکی‌های دیگران بهره می‌بریم؛ پس شایسته است که ما نیز بدون هیچ چشم‌داشتی برای دیگران و آیندگان کار و تلاش کنیم. مصداق این ضرب‌المثل، فداکاری‌های بی دریغ پدران و ماداری است که بدون هیچ توقعی از فرزندان خود، برای آسایش و راحتی آن‌ها، کار و تلاش می‌کنند.

۲. با توجه به معنی «تماشا» که در گذشته کاربرد داشت و همچنین با توجه به بند پایانی درس «عجایب صنع حق تعالی» که می‌گوید: «اگر خواهی به درجه‌ی مورچه قناعت کنی؛ می‌باش و اگر نه، راحت داده‌اند تا در بستان معرفت حق تعالی تماشا کنی و بیرون آیی؛ ...» واژه‌ی «تماشا» در معنی «گشت و گذار به همراه نگاه کردن و تفکر کردن» است و این معنی را می‌توان با توجه به واژه‌ی «بستان» که جایی برای گشت و گذار کردن است و همچنین با توجه به فعل «بیرون آیی» می‌توان فهمید که در این بند، واژه‌ی تماشا در معنی «گشت و گذار» به کار رفته است.